خراسان روزنامه صبح ایران
پنجشنبه ۸ تیر ۱۳۹۶. ۴ شوال ۱۴۳۸. شماره ۱۹۵۷۰

رایزنی برای رفع موانع اجرای کاداستر

معاون رئیس قوه قضاییه و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از رایزنی برای رفع موانع اجرای طرح کاداستر خبر داد. به گزارش ایرنا ، احمد تویسرکانی گفت: با گذشت یک سال از اجرایی شدن طرح کاداستر، متاسفانه ۴۲ درصد منابع اختصاصی ما حذف شد و در اختیار سازمان هلال احمر قرار گرفت که به همین دلیل، ۵ ساله بودن اجرای طرح کاداستر به تعویق خواهد افتاد.

گزارش حقوقی

• • •

آیا پس از بخشش، دوباره می توان مهریه را مطالبه کرد؟

یادتان باشد برای بخشیدن مهریه نیازی به دادگاه نیست؛ حتی در صورتی که زن مهریه‌اش را به وسیله یک دست خط با امضا و اثر انگشت ببخشد، این تعهد از گردن داماد برداشته می‌شود. اما در مواردی امکان مطالبه مجدد مهریه وجود دارد. به گزارش خبرگزاری میزان، یک حقوقدان درباره این که آیا زنی که مهریه خود را به همسرش بخشیده است، می‌تواند از بخشش خود رجوع و مهر خود را مطالبه کند یا خیر، گفت: در این صورت، چند حالت به وجود می‌آید. حالت نخست زمانی است که زوجه، درباره مهریه، ما فی الذمه زوج را ابراء می کند؛ به این صورت که می گوید از نظر من، تو دیگر تکلیفی برای پرداخت مهریه نخواهی داشت (تو را از پرداخت مهریه بری می کنم)؛ این بیان باعث می‌شود تکلیف شوهر در ادای مهریه، به طور کلی ساقط شود. پس در این حالت، زن حق رجوع ندارد. حالت دوم زمانی است که زوجه در قبال طلاق، مهریه خود را به شوهر بذل می کند. بذل مهریه در طلاق‌های خُلع و مُبارات انجام می‌شود؛ خُلع و مُبارات دو نوع طلاق توافقی در فقه و حقوق اسلامی است که در آن، زن با واگذاری مالی به شوهر از وی طلاق می گیرد. این طلاق مربوط به زمانی است که زن از شوهر به قدری تنفر پیدا کرده باشد که حاضر شود با پرداخت پول از قید همسری وی رها شود. این مال ممکن است مهریه زن یا معادل آن باشد؛ به همین دلیل، در فرهنگ عامه از عبارت «مهرم حلال و جانم آزاد» برای اشاره به این نوع طلاق استفاده می کنند؛ بنابراین، زن با پرداخت مالی به شوهر، از او می خواهد که طلاقش دهد. اگر زن در ایام عده طلاق، از بذل خود رجوع کند، طلاق ملغی و کان لم یکن خواهد شد. یعنی همچنان زن و شوهر محسوب می‌شوند و مثل این است که اصلاً طلاقی صورت نگرفته است. بنابراین در این حالت، زن حق رجوع از بذل مهریه را، تا پایان مدت عده دارد. حالت سوم زمانی است که زوجه مهریه خود را به زوج هبه می کند. به این صورت که می گوید من مهریه خود را به تو بخشیدم؛ در این حالت است که همانند سایر اشکال هبه، تکلیف شوهر در پرداخت مهریه، به طور کلی از بین نمی‌رود؛ چرا که زن می‌تواند تحت شرایطی، از هبه خود رجوع و مهریه خود را مطالبه کند. خواه طلاق گرفته یا نگرفته باشد.

نکته حقوقی

• • •

شرایط سند دار کردن «ملک در رهن بانک»

اگر خریدار یک آپارتمان، از این موضوع که ملک خریداری شده در رهن بانک قرار گرفته است، آگاه نباشد، می‌تواند علاوه بر الزام فروشنده به تنظیم سند رسمی، وی را به فک رهن نیز ملزم کند. به گزارش خبرگزاری میزان، هر نوشته‌ای که برای اقامه دعوا یا دفاع از دعوا علیه شخص در دادگاه قابل استناد باشد، سند نامیده می‌شود. از این رو، مبایعه نامه یا قولنامه نیز در این تعریف جای می گیرد و سند نامیده می شود؛ اما سندی که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا نزد دیگر مأموران رسمی، مانند مأموران اداره مالیات، راهنمایی و رانندگی و ... در حدود صلاحیت شان و بر طبق قانون، تنظیم شده باشد، رسمی است و اگر نوشته‌ای که سند نامیده می‌شود، فاقد یکی از این اوصاف باشد، سند عادی نام دارد. حال سوال این جاست که اگر آپارتمانی با مبایعه نامه فروخته شود، ولی در رهن بانک باشد، آیا می‌توان فروشنده را به تنظیم سند رسمی ملزم کرد؟ در پاسخ باید گفت که در این جا چند حالت متصور است. فرض کنید آقای «الف» یک واحد آپارتمان را به آقای «ب» می‌فروشد و آقای خریدار با علم به این که آپارتمان در رهن بانک قرار گرفته است، آن را معامله می کند، در این حالت، معامله بین «الف» و «ب» در صورتی صحیح و نافذ خواهد بود که به حقوق بانک، لطمه‌ای وارد نکند؛ زیرا عقد رهن برای بانک نسبت به آپارتمان، حق تقدم ایجاد می کند و می‌تواند از محل فروش آپارتمان، طلب خود را استیفا کند و هر اقدامی که با این حق بانک در تعارض باشد، قانونی نیست؛ اما اگر خریدار از این امر که آپارتمان در رهن بانک قرار گرفته است، آگاه نباشد، می‌تواند علاوه بر الزام فروشنده به تنظیم سند رسمی، وی را به فک رهن نیز ملزم کند. چنان‌چه بعد از فروش آپارتمان، فروشنده‌ای که با آقای «ب» با بیع نامه عادی معامله کرده است، آن آپارتمان را در رهن بانک قرار دهد، عمل او از مصادیق کلاهبرداری محسوب می شود و تعقیب کیفری در پی خواهد داشت.

در گفت و گو با دادیار دیوان عالی کشور مطرح شد

هشدارهای حقوقی درباره سوءاستفاده از اعتبار اسناد عادی

پرونده ویژه
معضلات اسناد عادی
۱

طبق تعریف ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، «سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام اثبات دعوا یا دفاع قابل استناد باشد.» همچنین، بر اساس ماده ۱۲۸۵، اسناد به دو دسته تقسیم می‌شوند: اسناد رسمی و اسناد عادی. سند رسمی، سندی است که «در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی، در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی، تنظیم شده باشد.» (ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی) بنابراین، هر سندی که در تعریف سند رسمی نگنجد، سند عادی است. اسناد عادی به راحتی توسط افراد تنظیم می‌شود و این کار، به طی کردن مراحل قانونی خاصی نیاز ندارد. از این رو، ارزش اعتبار اسناد عادی به اندازه اسناد رسمی نیست. با این حال، در کشور ما، اسناد عادی نیز می‌تواند در دادگاه‌ها، به عنوان سند طرح دعوا یا دفاع مورد استفاده قرار بگیرد. این اعتبار، مشکلاتی را به وجود آورده است؛ مشکلاتی که گاه مبدل به معضلات مهم اجتماعی شده‌اند. از جمله این معضلات، می‌توان به پدیده زمین‌خواری اشاره کرد که طی آن، زمین‌خواران با سوءاستفاده از اسناد عادی و به کار بردن شگردهای خاص خود، اراضی، کوه‌ها و حتی دریا را تصاحب و از این رهگذر، با پایمال کردن حقوق مردم، به منافع نامشروع هنگفتی دست پیدا می کنند. به همین دلیل، یافتن راهکاری برای حل مشکل تبعات ناشی از اعتبار اسناد عادی یا دست کم تخفیف عوارض ناشی از آن، اقدامی مهم و در خور توجه محسوب می‌شود. از این رو، در گفت‌وگو با محمدعلی اسفنانی، دادیار دیوان عالی کشور و سخنگوی پیشین کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، به بررسی مشکلات و چالش‌های ناشی از اعتبار اسناد عادی پرداختیم. وی در این گفت‌وگو، مهم‌ترین راهکار برای کاهش آثار ناشی از این مسئله را، توجه به اصل بودن اسناد رسمی و تعیین دوره زمانی مناسب، برای الزام افراد به تبدیل اسناد عادی به اسناد رسمی دانست.

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

موضوع گفت‌وگوی ما، چالش‌ها و مشکلاتی است که به دلیل استفاده از اسناد عادی به‌وجود می‌آید. همان‌طور که می‌دانید، بخش مهمی از دعاوی مطرح شده در دادگاه‌ها، به‌ویژه در حوزه املاک، مربوط به استفاده طرفین دعوا از اسناد عادی است. لطفاً اندکی درباره این چالش‌ها و مشکلات صحبت کنید.

همان‌طور که می‌دانید، قانون اسناد را به سند عادی و سند رسمی تقسیم کرده است. طبق این تعریف، تمام اسنادی که در تعریف سند رسمی نگنجد، سند عادی محسوب می‌شود. بنابراین، گستره اسناد عادی، قابل تحدید نیست و هر نوشته‌ای که بتوان به آن استناد کرد، یک سند عادی محسوب می‌شود. صرف نظر از این موضوع، اینکه نویسنده سند چه کسی است و چقدر سواد حقوقی دارد و از مفهوم واژه‌هایی که در متن سند به کار می‌برد، آگاه است، می‌تواند در آینده، آثار حقوقی متعددی برای سند عادی در پی داشته باشد. گاه دیده شده است که اسناد عادی تنظیم شده از سوی افراد کم اطلاع از مباحث حقوقی یا حتی افرادی که سواد خواندن و نوشتن چندانی ندارند، ماه‌ها و بلکه سال‌ها، ذهن قضات و حقوق دانان را برای فهم مقصود تنظیم کننده سند، به خود مشغول کرده و در برخی مواقع، به نتیجه قابل ارائه‌ای هم، نرسیده است. اجازه بدهید مثالی بزنم. در بحث قراردادها، مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی، تمام قراردادهای خصوصی بین افراد، تا جایی که مخالفت صریحی با قانون نداشته باشد، لازم‌الاتباع است. این همان اصلی است که از آن به اصل آزادی اراده‌ها تعبیر می‌شود. بنابراین، قرارداد بین طرفین، در هر قالبی که باشد، اعم از بیع، صلح، هبه، عاریه و حتی عقود غیرمعیّن، تا زمانی که صراحتاً خلاف قانون نباشد، می‌تواند منعقد شود و لازم الاجرا است. حال فرض کنید، فردی در سند عادی تنظیم شده، از تعابیری استفاده کند که بتوان آنها را به شکل‌های مختلفی تفسیر کرد. مثلاً، فردی روی یک تکه کاغذ معمولی می‌نویسد که فلان ملک را به فرد دیگری «واگذار» کرده است. در این‌جا، مفهوم کلمه «واگذار» کردن را می‌توان به اشکال مختلف، اعم از بیع، اجاره، صلح، هبه و ... تفسیر کرد که هر یک، بار حقوقی خود را دارد. این مسئله، افراد را با یکدیگر درگیر می کند و آمار پرونده‌های قوه قضاییه را بالا می‌برد. از سوی دیگر، اسناد عادی، حتی اگر درست و بدون نقص هم تنظیم شده باشد، دارای نقطه ضعف‌های فراوان دیگری نیز است؛ از جمله اینکه می‌توان در مورد آنها، ادعای جعل، تردید یا تکذیب مطرح کرد و فردی را که از چنین سندی برای طرح دعوا یا دفاع استفاده می کند، با مشکلات متعددی روبه‌رو کرد. این در حالی است که در اسناد رسمی، ما با چنین مشکلاتی روبه‌رو نیستیم یا کمتر با آن روبه‌رو می‌شویم. در مورد سند رسمی، تنها می‌توان ادعای جعل را، آن هم در مواردی خاص و محدود، مطرح کرد. به اعتقاد من، هرچند به اسناد عادی در کشور ما اهمیت داده می‌شود و می‌توان در دعاوی، آنها را ارائه کرد و اخیراً نیز، شورای محترم نگهبان نظری داده است که این موضوع را تقویت می کند؛ اما، به هر حال، مشکلاتی که به آنها اشاره کردم، از تبعات استفاده از اسناد عادی است.

افزون بر مواردی که جنابعالی اشاره کردید، برخی معضلات مانند پدیده زمین‌خواری نیز، با سوءاستفاده از اعتبار اسناد عادی افزایش پیدا کرده است. نظر شما درباره این قبیل معضلات و تأثیر اعتبار سند عادی در گسترش آنها چیست؟

به مسئله خوبی اشاره کردید. اتفاقاً سوءاستفاده زمین‌خواران از اعتبار اسناد عادی، یکی از مهم‌ترین مصادیق موضوعی است که درباره آن صحبت می کنیم. البته مسئله زمین‌خواری و شگردهای زمین‌خواران برای رسیدن به اهدافشان، کمی پیچیده‌تر از سوءاستفاده از اعتبار سند عادی است. گاه پیش آمده است که دو نفر با یکدیگر تبانی و یکی از آنها علیه دیگری در دادگاه طرح دعوا کرده است و مدعی تصرف غیرقانونی ملکش از سوی طرف مقابل که در واقع همدست او محسوب می شود، شده است. متأسفانه برخی قضات جوان و کم تجربه ما، بی‌خبر از فضایی که از سوی این افراد طراحی شده بود، به دعوای مطرح شده، رسیدگی‌های مفصل و طولانی‌ای می کردند؛ کارشناس می‌فرستادند و در نهایت، محدوده‌ای چند صد هکتاری را به عنوان حق شاکی مشخص و دستور صدور سند به نام وی را صادر می کردند و بخشی از اراضی ملی ما که هنوز سندش به نام دولت صادر نشده بود، به تصرف این زمین‌خواران در می‌آمد و آنها، سر فرصت و با خیال راحت، اراضی را بین خود تقسیم می کردند و به فروش می‌رساندند. به این ترتیب، با استناد به یک سند عادی بی‌ارزش که از سوی شاکی به دادگاه ارائه شده بود، صدها هکتار از اراضی ملی به دست زمین‌خواران می‌افتاد. در همین زمینه، بحث ماده ۱۴۷ قانون ثبت و مشکلاتی که در این عرصه به وجود آورد نیز، مطرح است. طبق این ماده قانونی، اعضای هیئت موضوع ماده ۱۴۷، باید تعیین می کردند که تصرفات مدعی در اراضی مورد بررسی، مربوط به بعد از سال ۱۳۷۰ است یا قبل از آن. خب! این مسئله چطور بررسی و ثابت می‌شد؟ با یک سند عادی! افراد می‌رفتند و استشهاد تهیه می کردند که مستأجر ملک بوده‌اند یا اسناد مربوط به خریداری مصالح ساختمانی را به هیئت ارائه می‌دادند یا قبض آب و برق می آوردند و این موارد، مبنای صدور حکم قرار می گرفت. اگر بخواهیم درباره مصادیق سوءاستفاده از اعتبار سند عادی در زمین‌خواری صحبت کنیم، موارد متعددی از این قبیل وجود دارد.

به عنوان یک حقوق دان و دادیار دیوان عالی کشور و فردی که مدت‌ها در قوه مقننه و کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی شاهد معضلات ناشی از اعتبار اسناد عادی بوده‌اید، چه راهکاری برای از بین بردن یا دست کم کاهش آسیب‌های ناشی از این مسئله دارید؟

واقعیت آن است که از بین بردن چنین معضلی، بسیار سخت و حتی ناممکن به نظر می‌رسد. دلایل متعددی را هم می‌توان برای این مسئله ارائه کرد. قانون ثبت ما مربوط به سال ۱۳۱۱ (هـ.ش) است و تا همین اواخر، شورای محترم نگهبان برای اعلام شرعی بودن یا نبودن آن، ورود پیدا نکرده بود. ماده ۲۲ این قانون، به صراحت اعلام می کرد که دولت تنها فردی را صاحب ملک می‌داند که سند رسمی ملک به نام او صادر شده باشد. ماده ۸ قانون ثبت نیز، تصریح می کند که تمام معاملات اموال غیرمنقول، الزاماً باید در دفاتر رسمی یا ادارات ثبت اسناد و املاک، ثبت شود. اما اخیراً، از سوی شورای محترم نگهبان اعلام شد که ماده ۲۲ این قانون، شرعی نیست و دادگاه‌ها مکلف‌اند به اسناد عادی نیز، توجه کنند. با این اعلام نظر، به فرجام رسیدن تمام تلاش‌هایی که برای سامان دادن به این وضعیت در دست انجام بود، در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. موضوع دیگری که باید مد نظر قرار بگیرد این است که پس از تصویب قانون ثبت در سال ۱۳۱۱، به دلایلی که در آن زمان مدنظر بود و بعدها در جریان‌هایی مانند اصلاحات ارضی تقویت شد، اجرای قانون ثبت در کوتاه مدت، در دستور کار قرار گرفت؛ این موضوع در سرزمینی که میلیون‌ها کیلومتر مربع وسعت دارد، قطعاً ناممکن است. با این حال، برای ارائه گزارش و رفع تکلیف و از همه مهم‌تر، تکمیل مانور تبلیغاتی مد نظرشان، این قانون را ظاهراً اجرا کردند و برای سرعت دادن به کار، گاه برای کل یک شهرستان، یک پلاک ثبتی معیّن کردند، اقدامی که در هیچ جای دنیا، با هیچ منطق و دیدگاهی در امور ثبتی سازگار نیست. نتیجه این کار، تعیین میلیون‌ها پلاک فرعی برای یک پلاک اصلی و دردسرهای ناشی از آن بود. در برخی مناطق، برعکسِ این قضیه عمل شد و برای یک مزرعه، یک پلاک ثبتی تعیین کردند که این رویکرد نیز با مباحث مربوط به امور ثبتی، جور در نمی‌آمد. نتیجه این اقدامات غیرکارشناسانه، بروز اختلافات شدید در مباحث مربوط به ثبت سند املاک در کشور ما بود. این بی‌قاعدگی، امروز برای اجرای قانون ثبت، مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده است. برای حل این موضوع، ما باید تجارب دیگر کشورها را مد نظر قرار دهیم. اجرای طرح‌هایی مانند کاداستر، می‌تواند از حجم پرونده‌های حقوقی در این عرصه، ۳۰ تا ۴۰ درصد بکاهد و این در کشور ما، یعنی کاهش حداقل ۶ تا ۷ میلیون پرونده در سال که رقم بسیار قابل ملاحظه‌ای است. به همین دلیل، به اعتقاد من، راهکار اصلی برای حل مسئله مورد بحث، این است که ابتدا مسئولان ما، هم در شورای نگهبان، هم در دولت، هم در قوه قضاییه و هم، به‌ویژه، در مجلس شورای اسلامی، به این باور برسند که ما راهی جز اصل قرار دادن و توجه به اسناد رسمی و الزام تغییر اسناد عادی به رسمی در یک دوره زمانی مناسب نداریم. در غیر این صورت، نه تنها مشکلات ما کم نخواهد شد، بلکه هر روز با معضلات بیشتری روبه‌رو می‌شویم.

> برای حل این موضوع، ما باید تجارب دیگر کشورها را مد نظر قرار دهیم. اجرای طرح‌هایی مانند کاداستر، می‌تواند از حجم پرونده‌های حقوقی در این عرصه، ۳۰ تا ۴۰ درصد بکاهد و این در کشور ما، یعنی کاهش حداقل ۶ تا ۷ میلیون پرونده در سال که رقم بسیار قابل ملاحظه‌ای است

مشاوره حقوقی

• • •

خوانندگان محترم! در صفحه ۱۰ روزنامه خراسان، پاسخگوی پرسش های حقوقی شما هستیم. شما می توانید پرسش های خود را در تمام زمینه های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفاً در ابتدای متن پیامک حتما کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: فردی ۱۰ سال پیش از من ۱۲ میلیون تومان کلاهبرداری کرد. بعد از مدت‌ها دوندگی این موضوع را ثابت کردم و او را به دادگاه کشاندم؛ اما وی مدعی است که حتی در دادگاه هم بیش از ۱۲ میلیون نمی توانم بگیرم. مأخذ تاریخی دریافت پول من از این شخص چه زمانی است؟ آیا می توانم بابت خسارت و دوندگی این سال‌ها طلبکار باشم؟

پاسخ: مطابق ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، شما می‌توانید تمام خساراتی را که به دلیل عدم وفای به عهد بدهکار به شما وارد آمده است، همزمان با تقدیم دادخواست اصلی یا در طول رسیدگی به دعوای اصلی یا به صورت دعوای جداگانه، از کسی که محکوم می‌شود، مطالبه کنید. این خسارات شامل خسارت تأخیر در پرداخت دین یا تأخیر تأدیه (خسارت ناشی از کاهش ارزش پول مطابق شاخص اعلامی از سوی بانک مرکزی) و خسارات دادرسی، یعنی هزینه های ناشی از طرح دعوا در دادگاه است. خسارات دادرسی شامل هزینه دادرسی، حق الوکاله وکیل، هزینه تحقیقات محلی، هزینه کارشناسی و ... است. (ماده ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی) بنابراین، شما برای مطالبه خسارات دادرسی، باید علاوه بر تقاضای پرداخت اصل طلب، خسارات را نیز ضمن دادخواست یا در جلسه دادگاه یا به صورت جداگانه مطالبه کنید. در صورتی که حقانیت شما در اصل دعوا اثبات شود، دادگاه طرف مقابل دعوا را به پرداخت بدهی و خسارات مربوطه محکوم خواهد کرد. ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به‌طور مستقل، جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خوانده نسبت به ادای حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت‌المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تأخیر تسلیم آن، از باب اتلاف و تسبیب، از خوانده مطالبه نماید.... دادگاه در موارد یاد شده، میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده و ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم جداگانه، محکوم‌علیه را به تأدیه خسارت ملزم خواهد نمود. در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد، برابر قرارداد رفتار خواهد شد.» در صورت خودداری بدهکار از پرداخت بدهی خود، طلبکار می تواند علاوه بر اصل طلب، خسارت تأخیر در پرداخت را نیز مطالبه کند. خسارت تأخیر بر مبنای جدول شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (اعلامی از سوی بانک مرکزی) و از تاریخ مطالبه اصل طلب، محاسبه می شود. ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می کند: «در دعاوی‌ای که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکّن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد، محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد؛ مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.»

پرسش: منظور از «جنبه عمومی جرم» چیست؟

پاسخ: ارتکاب جرم از آن جهت که بزه دیده (قربانی جرم) را تحت تأثیر قرار می دهد، دارای جنبه خصوصی و از آن جهت که جامعه را متأثر می کند، دارای جنبه عمومی است. به عنوان مثال، در مورد سرقت یا کلاهبرداری، قربانیِ جرم، اموالی را از دست داده است؛ بنابراین، این جرایم دارای جنبه خصوصی است. از جهت دیگر، ارتکاب جرم سرقت یا کلاهبرداری، موجب ناامنی جامعه می شود و از این رو، این جرایم دارای جنبه عمومی است.

تحلیل های روز را رصد کنید
www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان

شماره بایگانی شعبه ۹۵۱۱۱۸
آگهی احضار متهم
در پرونده کلاسه ۱۳۲/۹۵۱۱۱۸ آقای مسعود ضیائی به اتهام سرقت گوشی همراه تحت تعقیب می‌باشد به واسطه معلوم نبودن محل اقامت نامبرده و به تجویز ماده ۳۴۴ قانون آیین دادرسی امور کیفری مراتب در روزنامه آگهی نامبرده مکلف است راس ساعت ۹ صبح روز ۹۶/۵/۱۸ در شعبه ۱۳۲ دادگاه عمومی جزایی مشهد حاضر و از اتهام انتسابی دفاع نماید در صورت عدم حضور در موعد مقرر رسیدگی و اتخاذ تصمیم قانونی خواهد شد. م الف ۱۷۴۵۹
مدیر دفتر شعبه ۱۳۲ دادگاه کیفری ۲ مشهد
م/۹۶۰۶۶۴۵۱

فراخوان مناقصه
دانشگاه علوم پزشکی مشهد در نظر دارد خرید مواد اولیه ،طبخ و توزیع غذای پرسنل و بیماران واحدهای تابعه شبکه بهداشت و درمان شهرستان قوچان را از طریق انجام مناقصه عمومی به بخش غیر دولتی واگذار نماید . اشخاص حقوقی و حقیقی واجد شرایط می توانند ظرف مدت پنج روز از تاریخ درج آگهی به دبیرخانه شبکه مذکور واقع در شهرستان قوچان - شبکه بهداشت و درمان و یا به سایت مناقصه ها و مزایده های دانشگاه به آدرس الکترونیکی http://cft.mums.ac.ir و همچنین پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس الکترونیکی http://iets.mporg.ir مراجعه و برگ شرایط مناقصه را دریافت و حداکثر ده روز پس از پایان مهلت دریافت ،تحویل نمایند .
قابل ذکر است :
*تضمین شرکت در مناقصه فوق مبلغ ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ضمانتنامه بانکی می باشد .
* کلیه پیشنهادات رسیده حداکثر ده روز پس از پایان مهلت ارسال مدارک در محل دفتر نماینده رئیس دانشگاه بازگشایی و قرائت خواهد گردید .
* هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
ش/۹۶۰۶۷۲۴۷

شماره بایگانی شعبه ۹۵۰۹۷۷
بدینوسیله به آقای حسین پوراسماعیل فرزند غلامحسین که در حال حاضر مجهول‌المکان می‌باشد در پرونده کلاسه ۹۵۰۹۷۷ شعبه ۱۳۳ به اتهام ایراد صدمه بدنی عمدی و توهین برابر مندرجات حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۹۳۳۰۰۵۴۶ محکوم گردیده و حکم صادره پس از رویت ظرف ۲۰ روز قابل واخواهی و سپس ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظر می‌باشد مراتب اعلام تا با مراجعه به